

فیلم‌برداری در بیمارستان و در شرایط خاصی انجام شده است. با چه دشواری‌هایی روبه‌رو بودید؟

قرار بود فیلم‌برداری از عید بسازیم، اما با شروع جنگ در اسفندماه، شرایط کاملاً تغییر کرد و کار متوقف شد. بعد از اعلام آتش‌بس هم گرفتن مجوزها زمان زیادی برد؛ چون فضای امنیتی باعث شده بود ورود دوربین به بیمارستان‌ها با محدودیت روبه‌رو شود.

ابتدا بیمارستان دیگری را برای فیلم‌برداری در نظر گرفته بودیم، اما به دلیل شرایط پیش آمده، مجبور شدیم لوکیشن را تغییر دهیم. در نهایت با همکاری بیمارستان امام خمینی توانستیم فیلم‌برداری را انجام دهیم. گرفتن مجوز و هماهنگی‌ها هم حدود دو هفته زمان برد. سه شب در بیمارستان امام خمینی فیلم‌برداری کردیم. شرایط آسانی نبود؛ حتی برای اجرای بعضی ایده‌های نورپردازی، محدودیت‌هایی داشتیم و امکان استفاده از پشت‌بام بیمارستان را هم پیدا نکردیم. نکته عجیب این بود که شب اول فیلم‌برداری، فعالیت پدافندها آغاز شد. در واقع، ما فیلم را در شرایطی ساختیم که سایه جنگ همچنان بر فضای کارمان سنگینی می‌کرد.

با توجه به محدودیت‌های مالی تولید فیلم کوتاه، چطور سرمایه‌مورد نیاز «نن» را تأمین کردید؟

فیلم تهیه‌کننده داشت، اما پروژه کاملاً مستقل بود. بخشی از هزینه‌ها را خودم تأمین کردم و برای بخش دیگری هم از کمک یک دوست هنردوست بهره‌بردم که پیش‌تر در حوزه ورزش سرمایه‌گذاری کرده بود. البته میلیتی که در اختیار ما گذاشت، محدود بود. اگر قرار بود تمام عوامل دستمزد متعارف خودشان را دریافت کنند، تولید فیلم به هزینه بسیار بیشتری نیاز داشت. به همین دلیل با دوستانم صحبت کردم و بسیاری از آنها با دستمزدهای بسیار کم یا حتی بدون دستمزد در پروژه حضور پیدا کردند. بازیگران و عوامل پشت‌صحنه همراهی کردند تا بتوانیم فیلم را به سرانجام برسانیم. در واقع، با کمک و همدلی یکدیگر، پروژه را جمع کردیم.

سجاد بابایی در نقش اصلی فیلم حضور دارد. همکاری با او چگونه شکل گرفت؟

من و سجاد بابایی از گذشته دوستی داشتیم. وقتی فیلمنامه را نوشتم، پیشنهاد همکاری را با او مطرح کردم. داستان را دوست داشت و پذیرفت که در فیلم حضور داشته باشد. خوشبختانه توانستیم با همکاری یکدیگر این پروژه را به مرحله تولید برسانیم.

در پایان، چه انتظاری از نهادهای سینمایی برای حمایت از فیلم‌سازان جوان دارید؟

فکر می‌کنم در شرایط سخت امروز، فیلم‌سازان جوان بیش از گذشته به حمایت واقعی نیاز دارند. منظورم از حمایت، فقط حرف زدن درباره اهمیت فیلم کوتاه نیست؛ بلکه باید برآوردهای مالی واقع‌بینانه‌ای برای تولید در نظر گرفته شود.

من ترجیح دادم در حوزه فیلم کوتاه مستقل کار کنم و تمام هزینه‌های «نن»، از تولید تا پوستر و پخش، با سرمایه شخصی و همراهی دوستانم تأمین شد. با این حال، فکر می‌کنم انجمن سینمای جوانان ایران می‌تواند حمایت بیشتری از فیلم‌سازان جوان داشته باشد. هزینه‌های ساده تولید، از تهیه آب معدنی برای عوامل گرفته تا دستمزد نیروهای تخصصی، امروز به قدری بالا رفته که ساخت فیلم با بودجه‌های محدود دشوارتر از گذشته شده است.

حرف آخرم به فیلم‌سازان جوان این است که توانایی و انرژی خودشان را دست‌کم نگیرند. فیلم‌ساز قدرتی دارد که نباید نادیده گرفته شود. همان‌طور که بلی وایلدر گفته است، هیچ‌کس قدرت یک فیلم‌ساز را ندارد که بتواند دو ساعت در اتاق تاریک با میلیون‌ها انسان حرف بزند. به نظرم باید این قدرت را جدی گرفت.

مونافرخنده، کارگردان فیلم کوتاه «نن»:

فیلمی مستقل که زیر سایه جنگ ساخته شد

مونافرخنده، فیلم‌سازی را با نویسندگی آغاز کرده و نخستین فیلمش، «پبله»، در جشنواره چهلیم فیلم کوتاه تهران به نمایش درآمد. او در فیلم کوتاه «نن» بار دیگر سراغ مرگ، فقدان و پیوندهای عاطفی انسان‌ها رفته است؛ این بار در قصه مادری که برای به‌جا گذاشتن یادگاری از خود، آخرین دارایی‌اش را می‌فروشد. فرخنده که فیلمش را با سرمایه شخصی و همراهی دوستانش ساخته، از ایده شکل‌گیری «نن»، دشواری‌های فیلم‌برداری در شرایط جنگی و ضرورت حمایت عملی از فیلم‌سازان جوان می‌گوید.

از خودتان و مسیری که به فیلم‌سازی رسیدید، بگویید. «نن» چندمین تجربه فیلم‌سازی شماست؟

حدود شش، هفت سال است که فعالیت حرفه‌ای‌ام را با نویسندگی آغاز کرده‌ام و در این مدت فیلمنامه و سریال نوشته‌ام. از ۱۶ سالگی داستان کوتاه می‌نوشتم و در ادامه، دوره‌های مختلف فیلم‌سازی را گذراندم. از آموزش‌های آنلاین و دوره‌های مختلف استفاده کردم و از استادانی مانند آقای برزگر و آموزش‌های مرتبط با سینما بهره‌بردم. نخستین فیلمم، «پبله»، در جشنواره چهلیم فیلم کوتاه تهران حضور داشت و «نن» تجربه بعدی من در فیلم‌سازی است.

ایده «نن» از کجا شکل گرفت؟ به نظر می‌رسد مرگ و فقدان در آثار شما جایگاه ویژه‌ای دارند.

مرگ برای من موضوعی بسیار رازآمیز است و احساس می‌کنم در چند فیلمم به شکل‌های مختلف به آن پرداخته‌ام. در «پبله»، با کودکی روبه‌رو بودیم که به بیماری پروانه‌ای مبتلاست و قصه در فضایی روستایی شکل می‌گرفت. در «نن» هم با مادری مواجهیم که آخرین دارایی‌اش را می‌فروشد تا چیزی از خودش به یادگار بگذارد؛ در واقع، عروسی که قرار است جای خالی فرزندش را پر کند.

ایده فیلم کاملاً اتفاقی به ذهنم رسید. با خودم فکر کردم شاید آخرین دارایی انسان در این جهان، جسم او باشد؛ پس اگر قرار باشد همین دارایی را هم بفروشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ «نن» برای من یادآور ریشه‌های است که زیر خاک قرار دارد و دیده نمی‌شود، اما زندگی بر آن استوار است. این مادر هم بر این شبیه‌پذیری ریشه‌های است که در دل خاک پنهان شده، در حالی که بیرون از آن، زندگی همچنان جریان دارد.

فیلمنامه را خودتان نوشتید؟ فرایند نگارش و بازنویسی آن چقدر طول کشید؟

بله، نویسنده فیلمنامه خودم بودم و نسخه اولیه را در پنج، شش روز نوشتم. اما متن در جریان تمرین‌ها و حتی هنگام فیلم‌برداری بارها تغییر کرد. چهار، پنج جلسه با بازیگران تمرین داشتیم و در این مدت، پیشنهادهای آنها و عوامل پشت‌صحنه به شکل‌گیری بهتر فیلم کمک کرد. طراح صحنه ما، آقای رسول علیزاده، پیشنهادهای بسیار خوبی داشتند. برای مثال، در ابتدا قرار بود داستان در روز اتفاق بیفتد، اما پیشنهاد ایشان این بود که فضای شب را انتخاب کنیم؛ تصمیمی که به نظرم به فیلم کمک کرد. هنگام دکوپاژ و فیلم‌برداری هم مرتب به این فکر می‌کردم که آیا در بعضی صحنه‌ها، سکوت می‌تواند مؤثرتر از دیالوگ باشد یا نه. به نظرم فیلمنامه روی کاغذ یک چیز است و وقتی وارد مرحله اجرا می‌شود، با پیشنهادها و امکانات تازه‌ای روبه‌رو می‌شود که می‌تواند آن را بهتر کند.



محمدرحمتی، کارگردان فیلم کوتاه «شیطونی»

محسن کیایی در «شیطونی» از نقش‌های آشنایش فاصله گرفت

هزینه‌ها نیز به جلوه‌های ویژه بصری و مرحله پس از تولید اختصاص پیدا کرد. به همین دلیل، اجرای پروژه به صورت مستقل و با اتکا به یک مجموعه، دشوار بود و همکاری چند مجموعه امکان ساخت فیلم را فراهم کرد.

با توجه به اینکه محسن کیایی بیشتر با نقش‌های کمدی شناخته می‌شود، چرا او را برای بازی در «شیطونی» انتخاب کردید؟

از زمانی که فیلمنامه را می‌نوشتم، به این فکر می‌کردم که چه بازیگری می‌تواند این شخصیت را اجرا کند. همیشه هنگام تماشای فیلم‌های سینمای ایران، لحظاتی از بازی بازیگران در ذهنم می‌ماند؛ لحظاتی که ممکن است لزوماً به نقش‌های شناخته‌شده آنها مربوط نباشد.

در مورد آقای محسن کیایی هم چنین تجربه‌ای داشتم. از ایشان لحظات جدی‌ای در فیلم‌های مختلف دیده بودم که در ذهنم ثبت شده بود و احساس می‌کردم می‌توانند از لحظات آشنای نقش‌هایشان فاصله بگیرند و شخصیت متفاوتی را بازی کنند که در بهترین حالت ممکن این اتفاق افتاد و من در «شیطونی»، با بازی متفاوتی از آقای محسن کیایی مواجه شدم. اعطاف‌پذیری ایشان در طراحی شخصیت و اجرای آن برایم تبدیل شد به یک تجربه غنی و مورد مطالعاتی مثال‌زدنی. جالب این است که بدانید آقای کیایی از آنجایی که خودش هم نویسنده هستند چقدر در تحلیل فیلم‌نامه و شخصیت‌پردازی مسلط هستند و چه پیشنهادهای جذابی در راستای ارتقاء اثر می‌دهند.

با این حال هنگامی که می‌خواستیم از ایشان دعوت به همکاری کنیم، مطمئن نبودم که برای حضور در یک فیلم کوتاه پیشنهاد را بپذیرند. پس از تکمیل داستان و از طریق ارتباطاتی که داشتم، با ایشان تماس گرفتم. فیلمنامه را خواندند، از آن خوششان آمد و با روی باز پیشنهاد را پذیرفتند. به من اعتماد کردند و مقابل دوربین آمدند. این همکاری برای من تجربه ارزشمندی بود.

تولید فیلم با چه چالش‌هایی همراه بود؟ و به‌ویژه با توجه به حجم جلوه‌های ویژه بصری و محدودیت‌های معمول فیلم کوتاه؟

طبیعتاً چالش‌های زیادی داشتیم. تولید هر فیلمی با مسائل و دشواری‌هایی همراه است و «شیطونی» هم از این قاعده مستثنای نبود. ترجیح می‌دهم وارد جزئیات مشکلات تولید نشوم، اما لازم می‌دانم از آقای سعید خانی تهیه‌کننده و مدیرعامل پخش «خانه فیلم»، آقای بهروز شعبی مدیرعامل «انجمن سینمای جوانان ایران» و آقای محمدرضا همایی تهیه‌کننده محترم فیلم کوتاه «های‌کپی» تشکر کنم که در طول کار نهایت همکاری را با من و گروه داشتند و از هیچ کمکی دریغ نکردند.

فیلم قبلی شما، «های‌کپی»، در جشنواره موفقیت‌هایی به دست آورد. با توجه به آن تجربه، چه انتظاری از حضور «شیطونی» در جشنواره امسال دارید؟

به نظرم پیش‌بینی نتیجه جشنواره کار ساده‌ای نیست؛ چون متر و معیار سنجش و رویکردهای داوری به فراخور هر دورهای می‌تواند متفاوت باشد.

ممکن است فیلمی در یک دوره مورد توجه قرار بگیرد و جوایز متعددی دریافت کند، اما در دوره‌ای دیگر با استقبال مشابهی روبه‌رو نشود.

بخشی از این مسئله به معیارهای ارزیابی و بخشی دیگر به نگاه و سلیقه اعضای هیئت انتخاب و داوران برمی‌گردد. حتی ممکن است فیلمی را خودمان بسیار دوست داشته باشیم، اما فرد دیگری با آن ارتباط برقرار نکند. نگاه هر مخاطب به سینما، حاصل ترکیبی از دانش، تجربه و سلیقه شخصی اوست و داوری آثار هم از این تفاوت‌ها تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، ترجیح می‌دهم درباره نتیجه جشنواره پیش‌داوری نکنم و اجازه بدهم مسیر خودش را طی کند.

محمدرحمتی با فیلم کوتاه «شیطونی» در چهل و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران حضور دارد؛ اثری فانتزی که با همکاری چند مجموعه تولید شده و محسن کیایی در آن ایفای نقش می‌کند. رحمتی در این گفت‌وگو از شکل‌گیری ایده فیلم، تفاوت رویکردش با اقتباس‌های وفادارانه و آزاد، چالش‌های تولید اثری متکی بر جلوه‌های ویژه بصری و تجربه همکاری با محسن کیایی می‌گوید.

ایده ساخت «شیطونی» از کجا شکل گرفت؟ فیلم اقتباسی است و از چه اثری الهام گرفته‌اید؟

مدت‌ها پیش داستانی با عنوان «دست» نوشته «بنجامین پرسی» را خوانده بودم که ذهنم را درگیر کرده بود و برای مدتی طولانی با من ماند. وقتی تصمیم گرفتم بر اساس آن فیلم بسازم، به این نتیجه رسیدم که نمی‌خواهم صرفاً داستان را منتقل کنم، چون بضاعت فرهنگی داستان و ما اجازه چنین کاری را نمی‌داد. رویکرد من بیشتر اقتباس تفسیری بود؛ یعنی برداشتی که از آن داستان داشتم، با اقتضانات زمانه، تجربه زیسته و نگاه شخصی‌ام ترکیب شود.

در فرایند بازنویسی فیلمنامه احساس کردم برای شکل‌گیری جهان فیلم به عناصر دیگری هم نیاز دارم. به همین دلیل، از شخصیت «تینگ» در سریال «ونزدی» ساخته «تیم برتون» و فضای سایر آثار فانتزی نیز الهام گرفتم. در داستان اولیه، شخصیت با یک دست مصنوعی مواجه می‌شود، اما در فیلم من این موقعیت به اسباب‌بازی فروشی و اکشن‌فیگور «تینگ» پیوند می‌خورد. بنابراین، «شیطونی» حاصل ترکیب چند منبع الهام و تفسیر شخصی من از آنهاست؛ نه اقتباسی کاملاً وفادارانه است و نه اقتباسی آزاد به معنای متعارف آن.

عنوان «شیطونی» هم ظاهر اخشی از معمای فیلم را در خود دارد. چرا این نام را انتخاب کردید؟

اگر بیشتر توضیح بدهم، ممکن است بخشی از داستان فاش شود! اما به‌طور کلی، گاهی آدم‌ها از سر سهل‌انگاری یا نگاه ساده به یک موقعیت، دست به شیطنت‌هایی می‌زنند که پیامدهای بزرگ‌تری از تصور اولیه‌شان دارد. همین ایده در انتخاب عنوان فیلم برایم اهمیت داشت؛ چراکه عنوان هر اثری درجه‌ی ورود به جهان آن اثر و ایجاد گفت‌وگو با مخاطب خودش است. ترجیح می‌دهم مخاطب هنگام تماشای فیلم، خودش ارتباط میان عنوان و اتفاقات داستان را کشف کند.

فیلم شما فضایی فانتزی دارد و ظاهراً تولید آن هم هزینه‌بر بوده است. در شرایط فعلی، تأمین سرمایه چنین پروژه‌ای چقدر دشوار است؟

«شیطونی» محصول همکاری سه مجموعه است: انجمن سینمای جوانان ایران، استودیو فیلم هشت‌ونیم و کمپانی فیلم سید. مدیریت استودیو هشت‌ونیم بر عهده آقای امیرحسین افچنگی که خودش یکی از برجسته‌ترین ویژوال آرتیست‌های در حال حاضر هستند و مدیریت کمپانی فیلم سید بر عهده آقای محمدرضا نوری که تهیه‌کننده چند اثر در امسال و سال‌های گذشته بوده، است. این مجموعه‌ها به‌صورت مشترک در تولید فیلم مشارکت کردند و واقعا سنگ تمام گذاشتند.

از آنجا که با اثری فانتزی و متکی بر جلوه‌های ویژه بصری روبه‌رو بودیم، تولید آن به منابع مالی بیشتری نسبت به بسیاری از فیلم‌های کوتاه واقع‌گرایان داشت. بخش عمده

